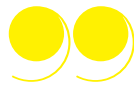


پرویز داریوش گنجینه واژگانی خیلی غنی ای داشت؛ این را با خواندن هریک از کتاب هایش می شود فهمید. دقت و ظرافت زیادی که به خرج می داد تا ترجمه اش بهترین باشد کاملاً در آثارش مشهود است



۱۵ سال انتظار برای نهنگ سفید

پرویز داریوش یکی از مترجم هایی است که در طول زندگی خودش علاقه به صحبت درباره خودش و سبک و سیاق کارش نداشت. اما به طور جدی تمام وقتش را صرف ادبیات کرده بود. به عنوان شاعر زبان شعری ای که داشت بعدها روی شاملو تأثیر گذاشت. همزمان با آغاز فعالیتش به عنوان مترجم در گمرک شروع به ترجمه ادبیات داستانی و البته غیرداستانی کرد. داریوش در انتخاب کتاب هایش دقت زیادی به خرج می داد و معتقد بود به عنوان مترجم بهتر است به زبان نویسنده وفادار بماند. همین موضوع باعث شده بعضی از کتاب های ترجمه شده اش ساختاری غیرفارسی داشته باشند. ترجمه داریوش از کتاب های «خانم دالووی» و «خیزاب ها» باعث شد ویرجینیا وولف به مخاطب ایرانی معرفی شود و مورد استقبال قرار بگیرد.

کدام ترجمه، این بار قمست دوم!

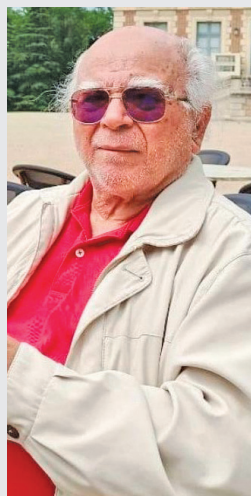
فاطمه منصوری نصرآباد
مترجم

کتاب های کدام مترجم را در سبد خریدم بگذارم؟

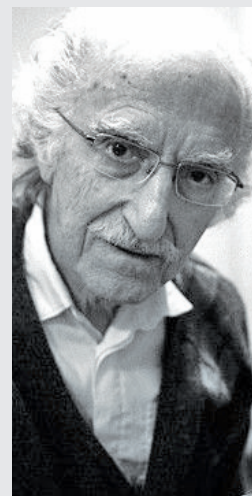
خیلی روان و جدید می گردند. اما به هر حال شاید آشنا شدن با مترجمی مثل پرویز داریوش کمی ذهنشان را قلقلک دهد تا سراغ نثر و ترجمه های او بروند.

که کتابخوان ها بخصوص کسانی که تازه کتاب خواندن را شروع کرده اند، روانی متن کتاب است. تجربه نشان داده خیلی از این افراد فقط به دنبال کتاب هایی با ترجمه

بخش دوم معرفی مترجم های مطرح و خوب ایرانی را قرار است درباره سه نفر بنویسم، پرویز داریوش، ابوالحسن نجفی و سروش حبیبی. به نظر من یکی از مواردی



سروش حبیبی



ابوالحسن نجفی



پرویز داریوش

مجموعه «خانواده تیبو»! نجفی در «خانواده تیبو» تمام تلاشش را کرده تا فضای فکری هر شخصیت را بفهمد، دنبال ظرفیت های زبان فارسی باشد و بهترین ترجمه ای که می شده را به ما تحویل بدهد. خلاصه کلام اینکه بگردید و کتاب های ابوالحسن نجفی را

رومن گاری و آلبر کامو برای ترجمه انتخاب کند. البته که این ترجمه ها آن قدر خوب، درست و حرفه ای و روان از آب درآمده اند که خواننده از خواندن آن لذت کافی می برد. اما می دانید یکی از جدی ترین و مهم ترین کتاب هایی که توسط نجفی ترجمه شده چیست؟

باعث شد نجفی آثار خوب فرانسوی را بشناسد و دست به ترجمه آنها بزند. نجفی با ترجمه های روانی که از آثار ژان پل سارتر ارائه کرد او را به جامعه ادبی ایرانی معرفی کرد. نجفی در طول حیات خود سعی کرد کتاب های مهمی از نویسندگان فرانسوی مثل ژیل پرو، تیری مونیه،

مترجمی که دیگر تکرار نمی شود

ابوالحسن نجفی مترجمی است ماندگار! کسی که ادبیات را جدی می گرفت. اثری انتخاب می کرد که ارزش داشته باشد، وقت می گذاشت و سعی می کرد شخصیت ها را بفهمد، زبان نویسنده را بفهمد، سبک او را پیدا کند، دانش زبانی فارسی اش را وارد عمل کند تا نتیجه نهایی کتابی ماندگار باشد. نجفی در دانشگاه رشته زبان فرانسه خواند و بعد از فارغ التحصیلی به عنوان مترجم، زبان شناس و نویسنده و ویراستار حرفه خود را آغاز کرد. همین خواندن زبان فرانسه



ابوالحسن نجفی مترجمی است ماندگار! کسی که ادبیات را جدی می گرفت. اثری انتخاب می کرد که ارزش داشته باشد، وقت می گذاشت و سعی می کرد شخصیت ها را بفهمد، زبان نویسنده را بفهمد، سبک او را پیدا کند، دانش زبانی فارسی اش را وارد عمل کند تا نتیجه نهایی کتابی ماندگار باشد

پیدا کنید، بخرید تا ببینید ترجمه روان یعنی چه!

دریچه ای برای آشنایی با ادبیات جهان

سروش حبیبی یکی دیگر از مترجم های هم عصر نجفی و داریوش است. از چهار زبان به فارسی ترجمه می کرد، آلمانی، روسی، فرانسوی و انگلیسی. در این تقریباً چهل سالی که فعالیت ادبی خودش را شروع کرده با ترجمه اش از کتاب «بیابان تانارها» مهم ترین اثر دینو بوتزاتی، مخاطب ایرانی را با ادبیات ایتالیا آشنا کرد. دو کتاب «سگ سفید» و «خدا حافظ گاری کوپر» رومن گاری و کتاب های امیل زولا را که آثار مهمی از ادبیات فرانسه بود ترجمه کرد. ترجمه های حبیبی از نویسندگان روس مورد توجه خوانندگان ادبیات روسیه قرار گرفت.

در ادبیات روسیه یکی از ترجمه های خوب «آنا کارنینا» لئو تولستوی است. حبیبی بعد از آموختن زبان روسی ترجمه ای از «مرگ ایوان ایلیچ» تولستوی منتشر کرد که سروصدای زیادی به پا کرد. حبیبی این کتاب را مستقیم از روسی به فارسی برگردانده است. سروش حبیبی به متن اصلی وفادار بوده و به خوبی با اصطلاح های روسی و تلفظ کلمه ها آشنا بوده است. بابت این وفاداری و تسلط متن خروجی ترجمه بسیار روان و خوب از آب درآمده است.

در واقع سروش حبیبی به خاطر تسلطش به زبان های مختلف و علاقه اش به مطالعه فرهنگ و ادبیات کشورهای مختلف به خوبی مقصود نویسنده را می فهمد. تلاشش برای روان و فصیح بودن متن فارسی و وقتی که برای هر ترجمه می گذارد باعث شده کتاب هایش مورد توجه خوانندگان ایرانی و البته منتقدان قرار بگیرد. گفتم حبیبی ادبیات جهان را به خواننده ایرانی معرفی کرد، کتاب «ارباب ها» اثر ماریو آزولتا نویسنده مکزیکی است، «انفجار در کلیسای جامع» از آلو کارپانتیه نویسنده کوبا است. الیاس کانتی هم یکی از نویسندگان بلغاری- بریتانیایی است که حبیبی کتاب «کیفر آتش» (برج بابل) او را ترجمه کرد. نثر اصلی کتاب کمی سخت و پیچیده است که حبیبی توانسته به زیبایی از پس آن بربیاید و باز هم ترجمه روان دیگری برای ما منتشر کند. هر سه این مترجم ها از نسلی بودند که برای معرفی کردن ادبیات جهان بخصوص ادبیات فرانسه، روس، آلمان و ایتالیا سهم زیادی داشتند. نسلی که هم کارهایشان تنوع داشت و هم روان و دقیق بود.



سروش حبیبی به خاطر تسلطش به زبان های مختلف و علاقه اش به مطالعه فرهنگ و ادبیات کشورهای مختلف به خوبی مقصود نویسنده را می فهمد. تلاشش برای روان و فصیح بودن متن فارسی و وقتی که برای هر ترجمه می گذارد باعث شده کتاب هایش مورد توجه خوانندگان ایرانی و البته منتقدان قرار بگیرد